

نقش و جایگاه بحران سوریه در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه

محسن مسعودی لکی^۱

پذیرش مقاله: ۹۹/۰۴/۰۴

دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۱۳

چکیده

جایگاه بحران سوریه باعث اتحاد دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و روسیه در عرصه سیاست خارجی برای تقویت ائتلاف بین‌المللی با هدف تضعیف تهدید علیه منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی شده، چنانکه مقابله با یک جانبه‌گرایی آمریکا و ممانعت از نفوذ سرمایه‌داری غرب به منطقه و همچنین جلوگیری از توسعه ناتو به شرق را می‌توان در این راستا برشمرد. در این زمینه جمهوری اسلامی ایران و روسیه تلاش می‌کنند تا جهت تأمین بخشی از هدف‌های نظامی و راهبردی خود از تک‌قطبی شدن نظام بین‌الملل جلوگیری کنند. روسیه به عنوان یک قدرت برتر در نظام بین‌الملل مورد توجه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت تا از راه گسترش مناسبات با این کانون قدرت بین‌المللی، بخشی از هدف‌های جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین شود. در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز در سیاست خارجی روسیه یک متحد منطقه‌ای مهم برای مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه خاورمیانه است. صف‌بندی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در بحران سوریه، آزمون مناسبی بر امنیت ملی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه در این عرصه است. مقاله حاضر به بررسی جایگاه بحران سوریه بر ایجاد قابلیت‌ها، روابط، بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، ائتلاف، روسیه، بحران سوریه، جمهوری اسلامی ایران، تهدید.

مقدمه

نقش بحران سوریه در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه را می‌توان از جمله نقطه عطف تاریخی، ژئوپلیتیکی، حفظ منافع و امنیت ملی دو کشور دانست که علیرغم وجود برخی اختلافات میان دو کشور، موجب شده نقاط اشتراک قابل توجهی در حوزه‌های مختلف به خصوص در حوزه قابلیت‌های نظامی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه شکل بگیرد. منافع و هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران با بخشی از بازیگران نظام بین‌الملل و منطقه مانند روسیه، چین و همچنین حزب‌الله لبنان که خواهان حفظ وضع موجود می‌باشند پیوند زده شده و از سوی دیگر هویت سیاسی و منافع بازیگران دیگر نظام بین‌الملل و منطقه مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل و اکثر کشورهای عرب منطقه مانند عربستان و امارات به یکدیگر گره خورده است؛ به عبارت دیگر منافع ملی ایجاد شده بین دو بازیگر منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و روسیه، بیشتر متأثر از بقا یا تغییر رژیم، در سوریه می‌باشد. این عامل یعنی عدم ثبات دولت سوریه، تبدیل به تهدیدی علیه منافع ملی این دو کشور شده است. روس‌ها با درک اینکه در صورت سرنگون شدن نظام سیاسی کنونی سوریه کلّ منطقه زیر سلطه غرب به ویژه آمریکا قرار می‌گیرد؛ و این برای روسیه‌ای که در حال احیاء شدن است یک زیان بزرگ تلقی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز سوریه را نقطه مهم و استراتژیک در محور مقاومت علیه اسرائیل و جهان غرب در منطقه می‌بیند. از این رو سقوط دولت کنونی و روی کار آمدن یک دولت غرب‌گرا به هیچ عنوان در راستای منافع استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و روسیه قرار ندارد.

مبانی نظری

- جایگاه و نقش بحران سوریه باعث اتحاد منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه شده است.
- از جمله عوامل اصلی در تبیین اتحاد در کوتاه مدت بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه در بحران سوریه، نگرانی مشترک از گسترش دامنه نفوذ اقتصادی، سیاسی، نظامی، جهان غرب در منطقه استراتژیک خاورمیانه می‌باشد.
- یکی از اهداف بلند مدت جمهوری اسلامی ایران در همکاری با روسیه، توسعه نفوذ و حفظ استراتژی نظامی، در برابر قدرت‌هایی چون عربستان و اسرائیل است.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و گردآوری منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. در این حوزه تلاش شده است تا از منابع اینترنتی نیز استفاده شود.

پیشینه و ادبیات تحقیق

در مورد نقش جایگاه بحران سوریه بر روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و روسیه از منظر تئوری سازه‌انگاری هر چند موردی به دست نیامده، اما در حوزه‌های مرتبط با آن، می‌توان به کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه جایگاه بحران سوریه اشاره کرد.

روح الله قاسمیان (۱۳۹۲) در کتاب **کنکاشی در جایگاه بحران سوریه؛ ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها**، معتقد است که آمریکا و متحدانش بعد از خیزش‌های مردمی در شمال آفریقا و منطقه جنوب غربی آسیا، دو فعالیت را به طور جدی دنبال کردند. نخست مصادره انقلاب‌ها و دوم تغییر مسیر انقلاب از کشورهای متحد عربی به شورش و بحران در کشورهای محور مقاومت. در این کتاب، با بیان چندین دلیل اثبات شده، بحران سوریه را از جنس بیداری اسلامی ندانسته بلکه این کشور دچار جنگی تمام عیار شده که هدف اصلی آن، براندازی شخص بشار اسد و نظام سوریه و نیز تحریف و تخریب الگوی دولت در سوریه می‌باشد.

محمود شوری (۱۳۹۴) در پژوهش «جمهوری اسلامی ایران- روسیه و آینده مسئله سوریه» در چارچوب تئوری واقع‌گرایی، نقش جمهوری اسلامی ایران و روسیه در جلوگیری از گسترش گروه داعش به دیگر مناطق سوریه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

حسین ربیعی، جعفر نقدی و سجاد نجفی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بحران سوریه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» بحران سوریه را یکی از مهم‌ترین رویداد قلمداد کرده که سیاست خارجی و بالطبع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر گذاشته است.

ولی کوزه‌گر کالجی (۱۳۹۶) در اثرش با عنوان «اهداف و منافع مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه در صحنه بحران سوریه» در چارچوب مقالات تحقیقی و تحلیلی به تحولات حوزه جنوب غربی آسیا پرداخته است.

عفیفه عابدی (۱۳۹۵) با موضوع، «چشم‌انداز بحران سوریه» به بررسی دلایل شکست توافق آتش‌بس بین روسیه و آمریکا در حوزه بحران سوریه که در سطح تحلیل بین‌المللی بوده پرداخته است.

طهمورث غلامی (۱۳۹۵) با عنوان «ناکارآمدی مکانیسم‌های مدیریت بحران سوریه» در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، چگونگی مدیریت بحران سوریه، توسط بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را تجزیه و تحلیل قرار داده است.

پژوهش حاضر از آن رو دارای نوآوری است که می‌کوشد تا با بررسی نقش بحران سوریه در پیوند بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه، عوامل و مؤلفه‌های اتحاد، عدم گسترش نفوذ ناتو به حوزه منطقه حیاتی جمهوری اسلامی ایران و روسیه، تأمین امنیت منطقه‌ای جنوب غربی آسیا و جلوگیری از گسترش تروریسم به درون مرزهای این دو کشور از منظر تئوری سازه‌انگاری بپردازد. نقش دو کشور در معادله پیچیده سوریه نقطه تلاقی پیوند آن‌ها محسوب می‌شود که روابط آن‌ها را در دوره‌ی جدید وارد مراحل جدیدی از خود کرده است.

مفاهیم و اصطلاحات

هویت: هویت به معنای فهم و انتظارات درباره خود و مرتبط با نقش پذیرفته شده، می باشد. هویت‌ها به گزینش‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل نیز به آن‌ها شکل می‌دهند (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۷۸).

تهدید: عاملی که اهداف، ارزش‌ها و منافع حیاتی کشور را به گونه‌ای در معرض خطر قرار دهند که بیم آن رود تغییرات اساسی و ماهوی در آن صورت پذیرد و در سه بخش تهدید سخت، نیمه سخت و نرم تعریف می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۳، ۸۳).

همگرایی: فرآیندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف‌نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کند (قوام، ۱۳۸۹، ۲۴۶).

سیاست خارجی: به عنوان یک مجموعه اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیران، شامل دستیابی به اهدافی معین در چارچوب محیط بین‌المللی است (رضایی، ۱۳۸۷، ۴۶)؛ به عبارت دیگر، سیاست خارجی به معنی دنبال کردن هدف‌های کشور در محیط بین‌المللی و در رابطه با جوامع، دولت‌ها و کشورهای دیگر است. سیاست خارجی، راهنمای موضع‌گیری در جهان است؛ و مجموعه‌ای از اهداف بین‌المللی و راه‌های رسیدن به آن‌ها را شامل می‌شود (آشوری، ۱۳۵۴، ۶۷).

سازهانگاری: این نظریه بر این عقیده استوار است که "هویت‌ها، هنجارها و عادت‌ها و فرهنگ‌ها نقش‌های مهمی را در جهان سیاست ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها در واقع به طور بنیادی تعریف نشده‌اند اما بیشتر به سبب برهم کنش‌ها (تعاملات)، نهادها و سازمان‌ها، هنجارها و عادت‌ها و فرهنگ‌ها ایجاد شده‌اند. این‌ها، ساختار نیست، بلکه فرآیندی است که طی آن، روشی که دولت‌ها از آن طریق تعامل می‌کنند، تعیین می‌شود" (ونت، ۱۹۹۲، ۴۳).

چارچوب نظری

اگر مدل را مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم نظری در درون یک نظریه کلی که در پی تبیین موضوع یا مسئله‌ای خاص است، تعریف کنیم نظریه سازهانگاری ساختاری مدل هدایتگر و راهنمای مسیر این نوشتار است. بر این عقیده استوار است که "هویت‌ها، هنجارها و عادت‌ها و فرهنگ‌ها نقش‌های مهمی را در جهان سیاست ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها در واقع به طور بنیادی تعریف نشده‌اند اما بیشتر به سبب برهم کنش‌ها (تعاملات)، نهادها و سازمان‌ها، هنجارها و عادت‌ها و فرهنگ‌ها ایجاد شده‌اند. این‌ها، ساختار نیست، بلکه فرآیندی است که طی آن، روشی که دولت‌ها از آن طریق تعامل می‌کنند، تعیین می‌شود" (Wendt, 1992: 46). سازهانگاری به تحول روابط بین‌الملل بر اساس تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی عقیده دارد که در این روند جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرد. این تعامل بر اساس هنجارها و قواعد خاصی است و بر همین مبنا؛ هویت و منافع دولت‌ها توسط این هنجارها ایجاد می‌شود. این مکتب بر ادراک و تفسیر تأکید می‌کند. سازنده گرایان استدلال می‌کنند که واقعیت‌های بین‌المللی توسط ساختارهای معرفتی‌ای که به دنیای مادی می‌دهند، شناخته می‌شوند. این مکتب میانه‌ای بین رویکردهای عقلانی (واقع‌گرایی و لیبرالیسم) و توصیفی (پسانوساختارگرایی، پساساختارگرایی و انتقادی) است. سازنده گرایی بر آن است که دنیای مادی، عمل انسان را شکل داده یا توسط عمل انسان شکل داده می‌شود. اما چگونگی ارتباط این دو به تفسیرهای عرفی و معرفتی از دنیای مادی بستگی دارد. این فرا نظریه به عنوان یک چارچوب تحلیلی بر بحث‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی تمرکز دارد (فلاحی، ۱۳۹۰، ۸۰).

سه مورد کلی را اندیشمندان این رویکرد به عنوان گزاره‌های اصلی سازهانگاری پذیرفته‌اند. این سه مورد شامل موارد زیر می‌باشد.

- ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند.

- هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند.
- ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند.

سازه‌انگاران معتقدند هر سیستمی برای خود یک ساختاری دارد که این ساختار هم بعد مادی (نظامی، اقتصادی و...) و هم بعد غیرمادی (فکری و فرهنگی) دارد. آن‌ها معتقدند بعد مادی بر هویت دولت تأثیر می‌گذارد و هویت در داخل خود هم بعد مادی دارد و هم بعد غیرمادی. لذا یکسری الگوهایی هستند که هویت‌بازیرگر را می‌سازند که این هویت در راستای منافع خود، کنش‌بازیرگر را بروز می‌دهد سیاست خارجی، داخلی و یا حتی جهانی شدن یا هرج و مرج ناشی از این هویت‌بازیرگر است. سازه‌انگاران معتقدند ساختار مادی و غیرمادی توأمان به هویت‌بازیرگر شکل می‌دهند. لذا ساختارهای مادی و غیرمادی هنجارهای را می‌سازند که خود این هنجارهای تأسیسی یا تنظیمی بر هویت‌بازیرگر تأثیر گذاشته و منافع را تعریف می‌کند. سازه‌انگاران سرچشمه امنیت و نامنی را در نحوه تفکر‌بازیرگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر میزان فهم و درک مشترک‌بازیرگران از یکدیگر قرار دارد. مقایسه مناسبات ایالات‌متحده و انگلستان با روابط ایالات‌متحده و کره شمالی می‌تواند مقصود سازه‌انگاران را تبیین نماید. اگر انگلستان جنگ‌افزارهای هسته‌ای جدیدی تولید کند لازم نیست ایالات‌متحده نگران این باشد که برای مقابله با این تحول چه باید بکند؛ اما اگر کره شمالی زرادخانه‌ای از جنگ‌افزارهای هسته‌ای تشکیل می‌دهند ایالات‌متحده بسیار نگران می‌شود و می‌کوشد یا کره شمالی را از استقرار این جنگ‌افزارها منصرف سازد یا برای حفاظت از خودش در برابر آن‌ها سیستم‌هایی نظامی ترتیب دهد. در این دو مورد توانایی مادی به یک اندازه واقعی است ولی واکنش سیاست‌گذاران ایالات‌متحده کاملاً فرق می‌کند. نتیجه‌ای که سازه‌انگاران از این واکنش‌های متفاوت می‌گیرند این است که این تفاوت، نتیجه تغییرات مادی نیست زیرا توانایی‌های مادی را در هر دو مورد معادل هم تصور می‌کنیم بلکه نتیجه نحوه تفکر سیاست‌گذاران درباره تغییرات مادی است (چرنوف، ۱۳۹۳، ۱۴۹).

در تعاملات میان دولت‌ها در نظام بین‌الملل هرکدام از بازیگران سیگنال‌هایی را برای هم ارسال و دریافت می‌کنند که این سیگنال‌ها وارد فیلتر شده، خودی و غیرخودی را تشخیص سپس آن را وارد هنجارها- ارزش‌ها - باورها می‌کنند و اگر سازه‌گاری داشت خودی محسوب و اگر سازه

گاری نداشت غیرخودی محسوب می‌شود اگر غیرخودی محسوب شود تهدید تلقی گردیده و واگرایی و پس از آن دگرسازی پیش خواهد آمد.

خودی و غیرخودی = ادراک + هنجارها + ارزش‌ها + باورها

سازهانگاری بیشتر بر روی هنجارها و تأثیر آن بر سیاست داخلی و خارجی یک کشور تأکید می‌کند. با توجه به اینکه جایگاه بحران سوریه را بر ساخته اجتماعی و غیرطبیعی می‌داند و هسته مرکزی بحران در سوریه تهدید است، با توجه به این مهم، از آنجا که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، هویت خود را در تقابل با نظام هژمون حاکم بر ساخته است و با توجه به این مطلب که روسیه در سال‌های پس از جنگ سرد در پاره‌ای از زمان‌ها با یک جانبه گرایی آمریکا هم سو نیست، همچنین از آنجا که هر دو دولت در مقابل بحران سوریه و فزون طلبی‌های دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای موضع مشترکی گرفته‌اند، از این رو نظریه سازهانگاری را به عنوان چارچوب تحلیلی این نوشتار انتخاب کردم.

امنیت و سازهانگاری

سازه‌انگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر میزان فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر قرار دارد. در کل برای سازه‌انگاران واقعیت نظام نه امری از پیش ساخته که امری تکوین یافته در تعامل متقابل بازیگران است و شاخصه و ویژگی‌های این عرصه اجتماعی در این تعاملات ظاهر می‌شود. بازیگران در تعامل متقابل خود بر اساس سازه‌ها و ایده‌ها و تصورات ذهن خود عمل می‌کنند. از منظر آن‌ها کنشگران، کنشگرانی جامعه‌شناختی و ایفا کننده نقش‌اند و نه صرفاً کنشگران اقتصادی (آنچه در منظر واقع‌گرایان و نئولیبرال‌ها وجود دارد). از این منظر کنشگران (تصمیم‌گیرندگان) بر اساس هنجارها و قواعد که خود مبتنی بر پیشین‌های از عوامل ذهنی، تجربه‌ی تاریخی و فرهنگی است، تصمیم‌گیری می‌کنند و این هنجارها که خود از طریق جامعه‌پذیری برای کنشگران درونی می‌شوند، منافع و اهداف کنشگران و هویت آن‌ها را تعریف کرده و به آن جهت می‌دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۴۶).

بحران سوریه

بحران سیاسی سوریه، در سال ۲۰۱۱ و انجام تظاهرات‌هایی به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای، پیرامونی و شهرهای کوچک سوریه برای مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی بوده است (قربانی، ۱۳۹۳: ۳۵). از طرفی جایگاه ژئوپلیتیک سوریه به این کشور جایگاهی استراتژیک بخشیده است و آن را در نزد قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با اهمیت نموده است. در واقع، یکی از عوامل اصلی که محرک (انگیزه) تداوم بحران سوریه توسط عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. جایگاه ویژه ژئوپلیتیک سوریه است. به طور کلی، اهمیت ژئوپلیتیک سوریه ناشی از این عوامل است:

۱) دارای جایگاه مرکزی در حوزه‌های ژئوپلیتیک آسیای صغیر و دریای مدیترانه، شبه جزیره عربستان و به طور کلی، جنوب غربی آسیا؛ ۲) پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب - اسرائیل؛ ۳) «حلقه وصل» اعضای محور مقاومت شامل جمهوری اسلامی ایران، روسیه، حزب الله لبنان و حماس (فلسطین). بعد دیگر بحران سوریه - که «مهم‌ترین» بعد آن است - به دخالت‌های منطقه‌ای و خارجی مربوط می‌شود. در واقع، تداوم بحران سوریه ناشی از رقابت بین دو جریان متضاد «مقاومت» و «محافظة کار عربی» در منطقه جنوب غربی آسیا است (نجفی، ۱۳۹۳: ۱۵).

در بحران سوریه فشار از بیرون به سیستم داخلی سوریه وارد شد و اعتراضات مدنی مردم سوریه با تاسی از تحولات ایجاد شده در منطقه و حمایت کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفت، این اعتراضات حاکمان دولت سوریه را دچار وحشت کرد که مبادا مانند حاکمان سایر کشورهای عربی منطقه همچون تونس، لیبی و... این نارضایتی به یک بحران تبدیل شود لذا بدون توجه به درخواست‌های معترضین به شدت با آن‌ها برخورد کرد و این برخورد خشونت‌آمیز دولت سبب شد تا هویت معترضین به دولت اسد تغییر کند و با دریافت سلاح از سوی دولت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حامی خود به جنگ با دولت اسد بپردازند. در این خصوص فشار سیستمی بیرون به دولت اسد سبب شد تا هویت فکری خود را نسبت به معترضین تغییر دهد و به جای برخورد معنوی و پاسخ به درخواست آنان از سلاح و برخورد مادی استفاده نماید. از سوی دیگر مردم هم در اثر برخورد خشونت‌آمیز دولت، از اعتراضات مدنی و معنوی خود دست کشیده و با دریافت سلاح از بیرون از کشور، به عنوان عنصر مادی درگیر جنگ با حکومت سوریه شدند.

نقش بحران سوریه و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

سوریه به عنوان متحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، نقش مهمی را در دشمنی‌های جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، حمایت از حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی و همچنین نزاع‌های عقیدتی در منطقه بر عهده دارد نکته دیگر اینکه به دلیل آنکه سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک‌ترین متحد عربی با جمهوری اسلامی ایران بوده است، ظهور بحران در این کشور تأثیر مستقیم بر روابط هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب غربی آسیا داشته است. «باوجود نظام‌های سیاسی متفاوت جمهوری اسلامی ایران و سوریه و همگرایی نسبی نوع حکومت در سوریه و عراق، نظام سوریه در جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه جمهوری اسلامی ایران، سوریه با جمهوری اسلامی ایران همراهی می‌کرد. روابط حسنه سوریه با جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی و تقویت جبهه مقاومت، بعد از انقلاب همواره ادامه یافته است. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران به سوریه به عنوان یک متحد دیرین می‌نگرد» (سیمبر، ۱۳۹۳: ۵۳). جایگاه و اهمیت راهبردی بحران سوریه برای جمهوری اسلامی ایران و دلایل حمایت از دولت سوریه را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱. سوریه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک‌ترین متحد عربی با جمهوری اسلامی ایران بوده است.
۲. وجود همگرایی نسبی بین حکومت در سوریه و جمهوری اسلامی ایران و حمایت نظام سوریه در جنگ تحمیلی از ایران اسلامی، همکاری دو طرف را راهبردی نموده است.
۳. روابط حسنه سوریه با جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی و تقویت جبهه مقاومت شیعه.
۴. سوریه بعد از انقلاب اسلامی همواره در ضدیت با اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران همراهی کرده است.
۵. نقش تحولات سوریه بر ژئوپلیتیک منطقه و در عین حال در سطح بازیگری و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تأثیر زیادی دارد.
۶. راهبرد بلندمدت و تأمین‌کننده اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در سوریه حضور پایدار در سوریه است که این حضور مبتنی بر اتصال و پیوستگی حلقه‌های مقاومت به یکدیگر است (فرزندی، ۱۳۹۱: ۹۷). ادامه بحران در سوریه و همراهی دولت اقلیم با کشورهای عربی برای جلوگیری از گسترش نفوذ هلال شیعی در کشورهای عربی از یک طرف و تضعیف نظام سوریه با اعلام خودمختاری کردهای این کشور مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و کردستان عراق می‌

باشد. موارد یادشده را می‌توان بر اساس منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و سوریه بعد از به وجود آمدن بحران سوریه پذیرفت؛ لذا جمهوری اسلامی ایران به دلایل ذیل خود را ملزم می‌داند که در تحولات سوریه مداخله نماید:

- جمهوری اسلامی ایران و سوریه دارای منافع مشترکی در غرب آسیا هستند. دوستی جمهوری اسلامی ایران و سوریه از قبل انقلاب شروع شده و در دوران جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرده و بعد از آن هم به عنوان دو کشوری که منافع راهبردی مشترکی داشتند، در منطقه به ایفای نقش پرداخته‌اند.
- بحران سوریه باعث شده جمهوری اسلامی ایران با کمک سوریه توانسته آزادی عمل را در لبنان داشته باشد تا بتواند از گروه‌های مبارز فلسطینی یا حزب‌الله حمایت کند. از این لحاظ برای آنکه جمهوری اسلامی ایران این آزادی عمل را حفظ کند، باید از دولت سوریه حمایت کند.
- جمهوری اسلامی ایران با فروپاشی نظام سوریه به‌صورتی که مشخص نباشد بعد چه کسانی سر کار می‌آیند و چه مدت طول می‌کشد که این بحران را مهار کنند، مخالف است.
- جمهوری اسلامی ایران معتقد است اگر نظام سوریه بخواهد تغییر کند، جمهوری اسلامی ایران یک متحد راهبردی خود که می‌توانسته آزادی عملی را در بخش غربی آسیا برای جمهوری اسلامی ایران به وجود بیاورد، از دست خواهد داد؛ چون مدعیان زیادی خواهد داشت و آن نظام، وابستگی‌هایی به کسانی خواهد داشت که به گروه‌های مخالف کمک کردند یا برای حفظ قدرت خود مجبور هستند به قدرت‌های منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای وابسته شوند.
- دیگر اینکه در سیاست‌های کلی آمریکا که بوش عنوان کرده بود و سوریه هم مورد غضب وی بود، اگر اکنون سوریه فرو بپاشد و بخشی از آن طرح جنوب غربی آسیا بزرگ محقق شود، خواه ناخواه کشور بعدی، جمهوری اسلامی ایران خواهد بود؛
- با فروپاشی دولت سوریه نیروهایی که به‌گونه‌ای از جانب سوریه مهار می‌شدند از جمله کردها، اکنون آزاد می‌شوند و احتمالاً جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار می‌دهند.
- علاوه بر این‌ها، فروپاشی نظام سوریه ممکن است به تضعیف حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی هم منجر شود؛ یعنی خیال اسرائیل را راحت می‌کند و این کشور بدون هیچ‌گونه احساس

تهدید از واکنش سوریه می‌تواند فشارهای خود را علیه حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی افزایش دهد.

• در نهایت، اگر دولت اقلیم کردستان سوریه تشکیل گردد، نوعی دومینو استقلال بین کردهای ایران و ترکیه اتفاق می‌افتد که تهدید بزرگی برای حفظ تمامیت ارضی و تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود (آجرلو، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

با عنایت به مطالب فوق، جایگاه و نقش بحران سوریه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد چراکه در صورت از دست دادن دولت فعلی در سوریه، عملاً متحد خود در منطقه را از دست می‌دهد و ارتباط و حمایت جمهوری اسلامی ایران از لبنان و فلسطین با مشکل مواجه خواهد شد و احتمالاً به تضعیف لبنان و فلسطین می‌انجامد. از طرف دیگر با توجه به طرح جنوب غربی آسیای بزرگ، به احتمال زیاد جمهوری اسلامی ایران مورد حمله‌های مستقیم غرب برای دادن حقوق بیشتر تحت عنوان خودمختاری و استقلال روبرو خواهد شد که در این موضوع چالش مشترک با روسیه دارد. به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران خواهان سیاست «اتحاد و ائتلاف» با کشورها و گروه‌های سیاسی دوست در منطقه از جمله، روسیه، سوریه، حزب‌الله و حماس و گروه‌های شیعی در عراق است.

نقش بحران سوریه و روابط روسیه و سوریه

کارشناسان و صاحب‌نظران امور بین‌الملل و جنوب غربی آسیا اولین ویژگی روابط میان مسکو و دمشق را در تاریخی بودن آن می‌بینند، روابط تاریخی که همواره زمینه مناسبی برای همکاری نزدیک بین دو طرف فراهم می‌کند. با روی کار آمدن پوتین و تغییر در سیاست خارجی روسیه به تدریج زمینه برای بهبود روابط دو طرف فراهم شد (متقی، ۱۳۹۳: ۱۱۱). روسیه به واسطه حفظ تأسیسات دریایی خود در بندر طرطوس در سوریه منافع مادی و مستقیمی دارد؛ و همچنین روسیه برای تثبیت جایگاه جدید و قابل احترام خود در نظام بین‌الملل و رقابت بزرگی که در رأس نظام بین‌الملل با رقبای غربی خود به ویژه ایالات‌متحده دارد در اتخاذ چنین مواضع و رویکردهایی در سیاست خارجی روسیه بسیار اثرگذار است. روس‌ها در ادراک و نگرش خود با توجه به نقش، هویت و جایگاهی که برای خود در نظام بین‌الملل قائل هستند. و این امر نیز در حدود یک دهه اخیر برای آن‌ها مجدداً عینیت یافته است، هیچ‌گاه با یک جانبه‌گرایی و سیاست‌های هژمونیک گرایانه ایالات‌متحده نمی‌توانند کنار بیایند و بنابراین اتخاذ رویکردهای

مخالفت جویانه و تضادآمیز از سوی روس‌ها در برابر غرب همواره متصور است (زرگر، ۱۳۹۴: ۵۰).

جایگاه بحران سوریه برای روسیه علاوه بر منافع مادی، منافع غیرمادی نیز مورد توجه می‌باشد. کم‌تر از دو دهه است که روسیه پس از فروپاشی شوروی در مقابل غرب بسیار سازش‌کارانه عمل کرده و به میزانی که نفوذ و منافع غرب گسترش یافته است در مقابل آن، روسیه متضرر شده و این به جز هزینه‌های مادی فراوان، یک لطمه بزرگ بر پرستیژ این کشور وارد کرده است، ولی روسیه که جایگاه بالاتر و قابل احترام تری برای خود قائل است هیچ‌گاه نمی‌تواند چنین ضعفی را بپذیرد. کمک به حفظ نظام سوریه و یا حداقل باز داشتن ایالات متحده و غرب از مداخله نظامی در این کشور به جز منافع مادی که برای روس‌ها می‌تواند در پی داشته باشد، از آن مهم‌تر اعتماد و اطمینان متحدان، شرکا و دوستان روسیه از جمله جمهوری اسلامی ایران را به این قدرت افزایش داده و جایگاه و منزلت آن را در صحنه رقابت بین‌المللی که همواره بین قدرت‌های بزرگ در جریان است، افزایش می‌دهد، همچنین قدرت چانه‌زنی روسیه را بهبود بخشیده و حتی این کشور را در امتیازگیری موفق‌تر می‌نماید. شاید سرنوشت حکومت سوریه یکی از موارد مهمی باشد که ماهیت و رفتار روسیه را به آزمون خواهد کشید.

روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران؛ نقش بحران در سوریه (ساختار مادی و غیرمادی) اتحاد میان سیاست روسیه و جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با بحران سوریه را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- سوریه در ادراک ایران و روسیه اهمیت راهبردی زیادی دارد. از دیدگاه ایران، سوریه خط مقدم جبهه توسعه‌طلبی اسرائیل است و اگر دولتی غرب‌گرا در سوریه بر سرکار آید به نفع ایران و جبهه مقاومت نخواهد بود، جمهوری اسلامی ایران از دولتی حمایت می‌کند که متحد مقاومت است. از نگاه روسیه این بعد موضوع که نباید در سوریه با مداخله غرب حکومتی طرفدار آمریکا در دمشق به قدرت برسد با نگاه ایران نزدیک است؛ اما درباره بعد ضد اسرائیلی بودن آن و حمایت از مقاومت، مسکو دیدگاه متفاوتی دارد.
- هم ایران و هم روسیه از انجام اصلاحات در ساختار نظام سیاسی کنونی سوریه با هدف ایفای نقش گسترده‌تر مردم سوریه برای تعیین سرنوشتشان حمایت می‌کنند و معتقدند که با روش مسالمت‌آمیز می‌توان به راهکاری برای همکاری بین دولت و مخالفان دست یافت.

- روسیه و ایران با دخالت‌های سایر کشورها در زمینه مسلح کردن مخالفان اسد به شدت مخالف هستند؛
- روسیه و ایران از طرح سازمان ملل حمایت می‌کنند.
- روسیه و ایران با به قدرت رسیدن گروه‌های اسلامی تندروی وهابی که با عربستان ارتباط نزدیک دارند، مخالف هستند.
- روسیه و ایران با مدیریت بحران سوریه به‌وسیله ترکیه و ایجاد منطقه حائل به دست این کشور مخالف هستند.
- روسیه و ایران با مداخله نظامی در سوریه با هر پوشش و عنوانی مخالف هستند و با هر اقدام مداخله جویانه‌ای که مردم سوریه را از حق تعیین سرنوشت خود محروم سازد، مخالف‌اند.
- ایران و روسیه، سطح بحران در سوریه را نه یک بحران داخلی محدود، بلکه به شکل بالقوه یک بحران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌بینند که تنها در سایه هم کاری همه‌جانبه حل خواهد شد (Mohseni and Others, 2015: 13-15).

با نگاه به موضوعاتی که مطرح شد و با توجه به نقش و جایگاه بحران سوریه در ایجاد اتحاد بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه به نظر می‌رسد، از روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه، در سال‌های اخیر، به‌خوبی می‌توان دریافت، هر دو در پی افزایش نفوذ هویت سیاسی خود در منطقه «البته با استراتژی‌های گوناگون» می‌باشند. پیشینه تاریخی روابط کم تنش و مبتنی بر همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی دو کشور، زمینه‌هایی را فراهم آورده است که این روابط از استحکام کم‌نظیری در سطح منطقه برخوردار باشد. از سویی، مهم‌ترین بسترهایی که در تقویت همکاری‌های ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه نقش آفرینند یکی به توان بالای نفوذ ایران در کشورهای سوریه، عراق و لبنان مربوط است.

روسیه در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران همیشه کشوری مهم و تأثیرگذار بوده است و وزن و اولویت بالایی را در سیاست خارجی ایران داشته است؛ اما ایران در اولویت‌های نخست سیاست کرملین چنین جایگاهی را نداشته است. با این حال وقوع بحرانی همچون بحران سوریه سبب شده است تا منافع دو کشور بیش از پیش هم‌پوشانی داشته باشد. بحران سوریه از عوامل مؤثر و مهم در سطح منطقه جنوب غربی آسیا بود که باعث شد دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه به منافع مشترک در قبال بحران این کشور برسند. آمریکا و اتحادیه اروپا و غرب با همکاری متحدین

منطقه و کشورهای عربی در منطقه در نظر داشتند رژیم آقای بشار اسد را سرنگون و نظام خود خواسته خود را به کشور تحمیل کنند. به همین جهت دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه با یک دیدگاه واحد و با درک به خطر افتادن هویت و منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خودشان به یک اتحاد شدیدی در روابط خود رسیدند. در بعد دیگری تحریم اقتصادی آمریکا و اروپا بر علیه روسیه (تحولات اوکراین) هم‌زمان در زمانی که جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تحریم ظالمانه اقتصادی آمریکا و کشورهای غربی قرار داشت باعث شده که دو کشور بیش از پیش به منافع مشترک در قبال دشمن مشترک یا روابط مشترک برسند. به همین جهت در سال‌های اخیر روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده است (موسوی، ۱۳۹۳)؛ و عامل دیگر مربوط به بهار عربی و روی کار آمدن حکومت‌های متمایل به غرب است که در تعارض با منافع روسیه و ایران قرار دارند این خود بستر را برای همکاری بیشتر دو کشور برای جلوگیری از تکرار سناریوهای همانند فراهم می‌سازد (اصولی و رسولی، ۱۳۹۲: ۸۷).

به نظر می‌رسد، همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه در روند بحران سوریه بستر مناسبی را فراهم کرده است تا دو کشور در سایر زمینه‌ها باهم همکاری‌های بلندمدت داشته باشند. مسائلی مانند مقابله با افراط‌گرایی اسلامی در قالب گروه‌های تندروی مذهبی مانند داعش در مناطق مشترک میان دو کشور می‌تواند در تغییر نگاه دو کشور به همدیگر مؤثر باشد. بنابراین نقش و جایگاه بحران سوریه، فرصتی را فراهم ساخته تا دو کشور به همدیگر نه به عنوان رقیب، بلکه به عنوان همکار نگرینسته و برای حل مسائل تلاش کنند. از جمله عوامل اتحاد در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه پس از بحران سوریه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

همکاری در حوزه نظامی، ژئوپلیتیک و اقتصادی (ساختار مادی)

دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه تصمیمات بسیار خوب و جدی‌ای را در گسترش روابط اقتصادی به ویژه در زمینه پولی و بانکی اتخاذ کردند و با توافق نهایی به عمل آمده بین مقامات اقتصادی بین دو کشور (مبنی بر حذف دلار از روابط اقتصادی و مبادلات تجاری و تشکیل بانک مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه با ارزهای ملی دو کشور) قدم‌ها و گام‌های مهمی در زمینه توسعه روابط و ایجاد بستر مناسب برای افزایش حجم روابط تجاری انجام شود (فرقانی، ۱۳۹۵). بر اساس نظریه سازه‌نگاری که به مسئله همکاری برای تحصیل امنیت تأکید

می‌کنند لذا به واسطه جایگاه بحران سوریه این انگاره در میان مسئولین بلند پایه دو کشور شکل گرفت که به ضرورت توسعه عمیق و استراتژیک بین دو کشور پی بردند. به همین جهت تلاش‌های خوبی در سطوح بالا در دو کشور در مسکو و تهران برای توسعه و گسترش روابط در تمامی زمینه‌ها به ویژه زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی در جریان است. به همین جهت در ماه‌های اخیر سطح رفت و آمد مقامات بین تهران و مسکو بسیار ارتقاء پیدا کرده و مقامات عالی سیاسی، نظامی دو کشور به پایتخت‌های یکدیگر رفت و آمد داشته و ملاقات‌های خوبی در این زمینه صورت گرفته است. اوج این رویکرد را می‌توانیم توافقات خوب برای همکاری‌های نظامی بین دو کشور به عمل آمد اشاره کرد. چنانچه تحویل موشک‌های ۳۰۰S یا سامانه نظامی ۳۰۰S به جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.

ژئوپلیتیک، جهان تک‌قطبی و حرکت به سمت جهان چندقطبی (ساختار مادی و غیرمادی)

در ارتباط با مسائل ژئوپلیتیک و حرکت نظام بین‌المللی به طرف جهان چندقطبی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه نیز در این زمینه دیدگاه مشترکی دارند. هر دو کشور با جهان یک‌قطبی و ادعای آمریکا مبنی بر تنها ابر قدرت حاکم بر جهان و نظام ایجاد شده توسط آمریکا به شدت مخالف هستند. هر دو از گسترش پیشبرد نظام نظم نوین بین‌المللی تحت عنوان نظام چندقطبی حمایت می‌کنند و سیاست‌هایی را در این زمینه و اظهار نظرات خوبی را در این زمینه ابراز داشته‌اند. در زمینه مخالفت و مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری دو کشور دیدگاه‌های کاملاً مشترکی دارند و همکاری‌هایی را در این زمینه آغاز کردند. در زمینه انرژی با توجه به توان بسیار بالا و پتانسیل‌های بسیار بالای دو کشور در زمینه انرژی (به ویژه گاز که دو کشور به تنهایی بیش از حدود ۵۰ درصد از ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند) این امر موضوع بسیار مهم و حساسی است و می‌تواند عامل بسیار تعیین کننده‌ای در وضعیت انرژی جهانی باشد تا همکاری خوبی را شروع کردند. در این بین توافقات خوبی در سازمان همکاری‌های شانگهای با محوریت روسیه و چین اتخاذ شده و جمهوری اسلامی ایران با آن‌ها کاملاً موافق و همراه است. به همین جهت به نظر می‌رسد که در آینده‌ی نزدیک عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای از عضویت ناظر به یک عضویت کامل تغییر و جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو کامل این سازمان نقش مهمی را در این سازمان داشته باشد (کرمی، ۱۳۹۵). اهمیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرار داشتن در منطقه جنوب غربی آسیا و قرار داشتن

در حاشیه همسایگی با منطقه آسیای جنوب شرقی و قفقاز و آسیای مرکزی، از طرف روس‌ها قابل اهمیت شناخته شده و همکاری‌های بسیار خوبی را برای ارتقاء سطح همکاری‌های ژئوپلیتیکی بین دو کشور شروع کرده‌اند. سازه‌انگاران استدلال می‌کنند برای برقراری صلح و همکاری بین‌المللی باید هنجارهای مقوم و تنظیم‌کننده نظام بین‌الملل را به گونه‌ای تغییر داد که کشورها اندیشیدن و عمل کردن بر مبنای واقع‌گرایی را متوقف سازند. برای رسیدن به چنین نظام صلح‌آمیزی باید هویت و منافع کشورها را تغییر داد. نتیجه جایگاه بحران سوریه این استدلال سازه‌انگان در خصوص حرکت جوامع بین‌المللی به سمت جهان چندقطبی را محکم کرد. جمهوری اسلامی ایران و روسیه به دلیل منافع و مخاطرات اقتصادی، سیاسی و نظامی ناشی از جایگاه بحران سوریه، به ویژه ملاحظات استراتژیکی تلاش کرده‌اند نقشی تعیین‌کننده و مؤثرتر در این بحران ایفا کنند. (متقی، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

این یافته در قالب تئوری سازه‌انگاری به عوامل مادی و غیرمادی تأثیرگذار بر حوزه‌های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه و نیز بررسی اتحاد به وجود آمده بین دو کشور در نتیجه جایگاه بحران سوریه اشاره کرده و بر این اساس به نظر می‌رسد هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و روسیه با درک واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موجود تلاش دارند از به هم خوردن وضع موجود در سوریه جلوگیری کند و از طریق ایجاد اتحاد و ائتلاف محور مقاومت مانع نفوذ و سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورهای غربی و عربی به منطقه شوند.

عوامل مادی و غیرمادی روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه در سال‌های اخیر و نیز تشدید این همکاری پس از بحران سوریه و نقش و جایگاه بحران سوریه در سرعت بخشیدن به همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف به شرح ذیل می‌باشد.

عوامل غیرمادی	عوامل مادی
<ul style="list-style-type: none"> • وتو قطعنامه‌های ضد جمهوری اسلامی ایرانی در شورای امنیت همکاری و تسهیل روابط کنسولی • تسهیل مسافرت و لغو ویزا • حوزه فرهنگی (هنری، موسیقی و 	<ul style="list-style-type: none"> • مسائل نظامی - فنی • سامانه موشکی اس ۳۰۰ • مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر • حمل و نقل، انرژی اتمی و معادن • حوزه پولی و بانکی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بحران سوریه و تهدیدهای ناشی از آن در سطح بین‌المللی، دو دسته بازیگران را به وجود آورد که یکی از آنها دوستان نظام فعلی حاکم بر سوریه شامل روسیه، جمهوری اسلامی ایران، چین و همچنین حزب‌الله لبنان از یک‌سو و دسته مخالفان حکومت سوریه شامل ایالات متحده، اتحادیه اروپا، اسرائیل، برخی دول عرب منطقه می‌باشند و هرکدام از این کشورها منافع ملی خود را در وجود و یا عدم وجود حکومت فعلی سوریه می‌داند. لذا در اثر این تضاد منافع، ضمن تهدیدهای به وجود آمده، با موضع‌گیری‌های خود، این تهدیدها را افزایش دادند. در سطح بین‌المللی این موضع‌گیری‌ها در بخش مادی شامل تحریم همه‌جانبه، ارسال سلاح، ارسال نیرو، استقرار سامانه‌های موشکی و تهدید به حمله نظامی و شیمیایی و... و موضع‌گیری‌ها در بخش غیرمادی مانند برخورد دیپلماتیک شامل تعطیلی سفارتخانه‌ها، صدور و یا مخالفت با صدور قطعنامه علیه سوریه، به رسمیت شناختن مخالفین حکومت سوریه و همچنین موضع‌گیری‌های دیگر شامل جنگ رسانه‌ای و تهییج افکار عمومی می‌باشد که این کشورها در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای علیه یکدیگر اعمال می‌کنند. در سطح داخلی نیز در نتیجه انقلاب‌های عربی منطقه و قدرت یافتن اخوان المسلمین، هر یک از این کشورها با توجه به وضعیت داخلی خود از اقوام و گروه‌های مذهبی و سیاسی داخل سوریه حمایت مادی و غیرمادی می‌کنند از جمله، حمایت ترکیه از مخالفین دولت سوریه به ویژه اخوان المسلمین، اتحاد جمهوری اسلامی ایران و روسیه و حزب‌الله لبنان با حمایت از دولت سوریه و علویان و شیعیان در منطقه و کشورهای قطر و عربستان هم از سنی‌های سلفی که در نتیجه این جانبداری‌ها، دامنه تهدیدها افزایش یافته و منجر به اتحاد این کشورها به ویژه جمهوری اسلامی ایران و روسیه در منطقه شده است.

در پایان باید گفت این پژوهش، طبق تئوری سازه‌نگاری، جایگاه بحران سوریه را حاصل یک عامل و فشار بیرونی دانسته که در اثر تهدید حاصل از آن، هویت مردم و حکومت سوریه به دلیل شکننده بودن آن تغییر یافته که در این خصوص هر دو عامل مادی و غیرمادی را شامل می‌شود. با توجه به سؤال اصلی پژوهش حاضر «جایگاه بحران سوریه چه نقشی بر روابط روسیه و جمهوری اسلامی ایران گذاشته است؟» و بر اساس فرضیه تحقیق، «جایگاه بحران سوریه باعث اتحاد و

همکاری اقتصادی، سیاسی، نظامی بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه شده است.» به نظر می‌رسد که جایگاه بحران سوریه باعث شد کشورهای جمهوری اسلامی ایران و روسیه که هرکدام بر اساس منافع اقتصادی، سیاسی، نظامی خود عملکرده پس از ایجاد بحران، با اتخاذ مواضع واحد و همسو در حمایت و موافق با حکومت سوریه، روابط هویتی و سیاسی خود را به اتحاد و همکاری تغییر داده‌اند. این اتحاد متأثر از تهدید بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است که عوامل مادی و غیرمادی را در برمی‌گیرد. در تبیین اتحاد کوتاه مدت بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه در جایگاه بحران سوریه را می‌توان به نگرانی مشترک از گسترش دامنه نفوذ اقتصادی، سیاسی، نظامی، جهان غرب در منطقه استراتژیک جنوب غربی آسیا و همچنین از اهداف بلند مدت جمهوری اسلامی ایران در همکاری با روسیه را می‌توان به توسعه نفوذ و حفظ تعادل منطقه‌ای، در برابر قدرت‌هایی چون عربستان و ترکیه و اسرائیل اشاره نمود.

در پایان پژوهش پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- ✓ اشتراک نظر میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه، یک محور همکاری در حوزه نظامی را ایجاد می‌کند، زیرا در شرایط کنونی هم جمهوری اسلامی ایران و هم روسیه از سوی غربی‌ها و ناتو مورد تهدید هستند.
- ✓ در شرایط کنونی ناتو در حال استقرار سامانه موشکی در رومانی برای مقابله با روسیه و کشورهای منطقه از جمله ایران است، از این رو چون جمهوری اسلامی ایران و روسیه از یک منبع در حال تهدید شدن هستند، بنابراین قطعاً گسترش روابط نظامی میان دو کشور بسیار اهمیت دارد.
- ✓ توسعه روابط نظامی جمهوری اسلامی ایران و روسیه و تقویت تجهیزات نظامی کشور به ثبات و آرامش منطقه جنوب غربی آسیا می‌انجامد.
- ✓ تهدید در افغانستان، پاکستان و تأثیر بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و روسیه خروج نیروهای ناتو از افغانستان طی سال ۲۰۱۴ می‌تواند تبدیل به عاملی در جهت رشد بعدی محبوبیت نیروهای تندرو اسلامی داعش و غیره در افغانستان و حتی پاکستان شود که از نظر واشنگتن همچون سابق، حلقه مرکزی حل مشکل افغانستان است. از ماه اکتبر ۲۰۰۹، چندین حمله مسلحانه از خاک پاکستان به ایران صورت گرفته است. به همین خاطر مشکل امنیت منطقه در رابطه با افغانستان و پاکستان، نیاز به همکاری در حوزه

دیپلماسی پیشگیرانه و نظامی را شکل می‌دهد. در کنار تلاش‌های دو طرف، شرایط امروز نیاز به همکاری‌های چند جانبه دولت‌های این منطقه بزرگ، با حضور جمهوری اسلامی ایران و روسیه تنها راهی است که می‌تواند تهدید تندروری اسلامی و تروریسم سیاسی را از «آسیای مرکزی بزرگ» دور سازد.

✓ هر ساله هزاران تن از شهروندان روسیه و ایران در اثر هرویین تولیدی افغانستان جان خود را از دست می‌دهند. بخشی از شبه نظامیان سازمان‌های تروریستی که در قفقاز شمالی فعال هستند، دوره آموزشی و آمادگی را در اردوگاه‌های افغانستان پشت سر می‌گذارند. فدراسیون روسیه خواهان تشکیل یک دولت قوی در افغانستان است. با در نظر گرفتن تجربه تاریخی، برای حل مشکل افغانستان نیاز به تعامل منطقی و نزدیک روسیه با جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که از نظر جغرافیایی، مذهبی، فرهنگی و زبانی به افغانستان نزدیک‌تر می‌باشد.

✓ گسترش مراودات و همکاری‌ها در زمینه‌ی تنظیم رژیم حقوقی دریای خزر.

✓ تشکیل کارگروهی با مسئولیت مقامات عالی دو کشور و استفاده از کارشناسان خبره و نخبگان دو کشور برای برنامه‌ریزی و تقویت نقاط اشتراک دو کشور و هم‌افزایی در جهات

زیر:

الف) جلوگیری از تسلط شرکت‌های خارجی و فراملیتی بر منابع انرژی منطقه؛

ب) مقابله با حرکت‌های تندروری وهابیت در منطقه؛

د) جلوگیری از تشدید افراط‌گرایی قومی و نژادی در منطقه؛

فهرست منابع:**الف - منابع فارسی**

- چرنوف، فرد (۱۳۹۳)، ترجمه: طیب، علیرضا، نظریه و زبر نظریه در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات نی.
- ونت، الکساندر (۱۹۹۲)، ترجمه: مشیرزاده، حمیرا، نظریه‌های اجتماعی سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- آشوری، داریوش (۱۳۵۴)، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، روابط بین‌الملل - نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- ابراهیمی، نبی‌اله و حمیرا مشیرزاده (۱۳۸۹)، تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امامی، محمد علی (۱۳۹۴)، سیاست و حکومت در سوریه، تهران: وزارت امور خارجه چاپ و انتشارات.
- سیمبر، رضا (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های اساسی محیط نظامی جمهوری اسلامی ایران و سوریه» فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۳.
- اصولی، قاسم و رؤیا رسولی (۱۳۹۲)، «روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها و چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط» سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۱.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۳)، «عمل‌گرایی راهبردی در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه» راهبرد نظامی، سال ۱۲، شماره ۴۶.
- زرگر، افشین (۱۳۹۴)، «تعارض هویتی در روسیه و تأثیر آن بر سیاست خارجی این کشور» تهران، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۱، شماره ۵۰.
- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱)، «اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران» سایت پرسمان اندیشه سیاسی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۳، شماره ۳.
- آجرلو، حسین (۱۳۹۰)، «تحولات سوریه؛ ریشه‌ها و چشم‌اندازها» فصلنامه‌ی مطالعات جنوب غربی آسیا، سال هجدهم، شماره ۳.
- قربانی، فهیمه (۱۳۹۳)، «بحران سیاسی جاری سوریه و راهکارها» مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک جنوب غربی آسیا، اردیبهشت.

- فلاحی، علی (۱۳۹۰)، «سازنده گرایی در سیاست خارجی» تهران، فصلنامه راهبرد، سال هیجدهم شماره ۵۳.
- نجفی، مصطفی (۱۳۹۳)، نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در تحویل جایگاه بحران سوریه، باشگاه دانشجویان خبرگزاری دانشجو.
- موسوی، میرمحمد (۱۳۹۳)، روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه در بستر بحران جاری دیپلماسی جمهوری اسلامی ایرانی، اسفند.
- فرقانی، محمد رضا (۱۳۹۵)، سیر روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه چگونه است؟ دیپلماسی جمهوری اسلامی ایرانی، اردیبهشت، <http://www.Iran Diplomacy.ir/fa/page/12380/>.
- سایت اقتصاد آنلاین، اسفند (۱۳۹۶).

ب - منابع انگلیسی

- Wendt. Alexander. 1992, Anarchy Is What States Make Of it, International Organizations.
- Mohseni, Payam and Others (2015), Disrupting the Chessboard Perspectives on the Russian Intervention in Syria, Harvard Kennedy School: Belfer Center for Science and International Affairs Available at: <http://belfercenter.ksg.harvard.edu>, (Accessed on: 6/9/2016).